



# اخلاص را مرور کنیم

جواد خرمی

## ریشه‌های اخلاص

هر چیزی اسباب و علل و ریشه‌ها و زمینه‌های خاص خودش را دارد. اخلاص نیز از این امر مستثنا نیست؛ از این رو لازم است برای دست یابی به اخلاص، به اسباب و عوامل آن دست یافت و ریشه‌های آن را تقویت کرد. اهم اسباب و علل اخلاص، امور ذیل می‌تواند باشد:

### ۱. باور راستین

خدا باوری و یقین به وجود آخرت، از عواملی است که در تقویت اخلاص نقش سازنده دارد. علی علیه السلام

فرمود: «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ؛ اسبب اخلاص [ورزی] یقین [و باور جزمی] است.»

آری، کسی که باور دارد همه قدرتها به دست خداست و آگاه به تمام رازها اوست و حساب و کتاب و بهشت و جهنم فردای قیامت در دست اوست، چگونه می‌تواند اعمال را خالص برای او انجام دهد و دیگران را در آن شرکت دهد!

### ۲. علم و دانش

علم و دانش، مخصوصاً علوم

۱. غرر الحکم، ح ۵۵۳۸؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵، ح ۱۸۸۹.

دیگران دراز نمی‌کند و چشم امید به دست و جیب دیگران ندارد. در نتیجه، می‌توان گفت: یکی از حساس‌ترین عوامل اخلاص، ناامیدی از دیگران و امید مطلق داشتن به خداوند است.

علی علیه السلام می‌فرماید: «أَصْلُ الْإِخْلَاصِ أَلْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»<sup>۱</sup> ریشه اخلاص ناامیدی از آن چیزی است که در دست مردم است [مثل مال و ثروت و...].

از کریم می‌خواهم نه عبد الکریم  
آیه الله حجت وقتی از نجف به قم می‌آید، مرحوم آیه الله العظمی عبد الکریم حائری به ایشان پیام می‌فرستد که هر وقت به پول احتیاج داشتی، مادر خدمت هستیم و تقدیم می‌کنیم.

آیه الله حجت در جواب می‌گوید: «من از لطف و کرامت ایشان کمال تشکر دارم؛ ولی اگر من به پول

دینی، اگر در دل و جان انسان جاگرفت و مصداق این روایت شد که: «أَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> علم نوری است که خداوند در قلب هر کسی بخواهد، قرار می‌دهد.» ثمره و نتیجه آن اخلاص خواهد بود.

علی علیه السلام فرمود: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ»<sup>۲</sup> میوه علم و دانش، اخلاص [ورزی در] عمل است.

### ۳. کم کردن آرزوها

اصل آرزو برای انسان، مفید و ضروری است و اگر آرزو نباشد، خیلی از کارها انجام نخواهد گرفت و بسیاری از تلاشها و پیشرفتهای تحقق نخواهد یافت؛ ولی آنچه مذموم است و مردود و انسان را از پیشرفتهای باز می‌دارد و اخلاص و قصد قربت را از انسان می‌گیرد، آرزوی بیهوده و باطل، طولانی و دور و دراز است.

علی علیه السلام فرمود: «قَلِيلُ الْأَمَالِ تَخْلُصٌ لَكَ الْأَعْمَالِ»<sup>۳</sup> آرزوها را کم کن، اعمال خالص خواهد شد.

### ۴. ناامیدی از دیگران

قبلاً یادآور شدیم که مخلص کسی است که دست طلب به پیش

۱. مصباح الشریعة، ص ۱۶.

۲. غرر الحکم، ح ۴۶۴۲؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵، ح ۱۸۹۰.

۳. غرر الحکم، ح ۶۷۹۳؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵، ح ۱۸۹۱.

۴. غرر الحکم، ح ۶۷۹۳؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵، ح ۱۸۹۳.

برای اهل و عیال و... همه جزء کارهای خدایی است و هیچ منافاتی با اخلاص ندارد. خوب است این معنی را از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشنویم:

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب خود نشسته بود. جوان توانا و نیرومندی را دیدند که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. اصحاب گفتند: این جوان شایسته مدح و تمجید بود، اگر جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «این سخن را نگویند! اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم مستغنی گردد، او با این عمل در راه خدا قدم بر می‌دارد. همچنین اگر کار می‌کند به نفع والدین ضعیف یا کودکان ناتوان که زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد، باز هم به راه خدا می‌رود؛ ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود به تهی‌دستان مباحثات کند و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، به راه شیطان رفته

نیاز داشتیم، از خود «کریم متعال» درخواست می‌کنم، نه شیخ عبد الکریم»<sup>۱</sup>

### نکته در خور دقت

بسیاری فکر می‌کنند کار برای خدا با منافع دنیوی آنها سازگاری ندارد و حال آنکه این گونه نیست؛ انسان برای خدا بخورد و بخوابد، هرگز از منافع دنیوی خوردن و خوابیدن محروم نشده است. اگر انسان واقعاً از نظر روحی خود را به آنجا رساند که منبر را بدون توقع مادی برگزار کند، یقیناً خداوند بیش از آنچه بناست داده شود، برایش تأمین می‌کند. آری:

نام احمد نام جمله انبیاست

چون که صد آمد نود هم پیش ماست<sup>۲</sup>  
اخلاص در کارها در واقع انتخاب نقطه صد و برگزیدن مرحله بالاتر است.

نکته دقیق‌تر این است که توجه داشته باشیم کار برای خدا این نیست که انسان از هر تلاشی به جز عبادت خداوند دست بردارد؛ بلکه تلاش برای رفع نیازهای زندگی خود، کار

۱. اسوه پارسایان، ص ۱۲۳.

۲. مثنوی مولوی.

خدا باشد [و برای او کار کند]، خدا هم برای او خواهد بود.»

### ۲. هدایت الهی

یکی دیگر از برکات و آثار اخلاص، برخورداری از هدایت ویژه الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾<sup>۳</sup> «و کسانی که در راه ما تلاش کنند، حتماً راه‌هایمان را به آنان می‌نماییم.» آری، اخلاص باعث می‌شود تمام عوالم خلقت دلیل راه انسان گردند و آنچه در خود دارند، به او عرضه کنند و با تمام وجود راهنمای انسان باشند.

و از صراط حق منحرف شده است.»<sup>۱</sup>

### آثار گرانسنگ اخلاص

آنچه در اخلاص قابل توجه و اهمیت است، آثار گرانبها و گرانسنگی است که قطع نظر از بُرد تبلیغی، در زندگی دنیوی و آخرتی انسان نقش دارد و جا دارد هر عاقلی به آن توجه کند و به طور جدی به دنبال ایجاد آن باشد. در این بخش، به اهم آثار اخلاص اشاره می‌کنیم:

#### ۱. خدا با مخلصین است

امروزه معمول است که هر کشور و هر جامعه و هر فردی تلاش می‌کند خود را به کشور و فردی که دارای قدرت و علم بیشتر است، نزدیک سازد. در هستی، هیچ کس قدرت و علمش به قدرت و علم خداوند نمی‌رسد و هر قدرتی هم به قدرت او و اراده او وابستگی دارد. آنچه انسان را از حمایت قدرت الهی برخوردار می‌سازد، اخلاص و نیت پاک است؛ چرا که انسان را کاملاً به خداوند نزدیک می‌کند.

در روایت آمده است: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ؛<sup>۲</sup> کسی که [صد در صد] برای

۱. داستانها و حکایتهای پندآموز در آثار فلسفی، عبدالرضا ابراهیمی، انتشارات رحیق، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۷۲.

۲. این جمله در مصادر حدیثی مانند بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۷؛ وافی، ج ۵، ص ۷۸۴؛ روضة المتقین، ج ۳، ص ۱۹۵، بدون استناد به معصوم با جمله «کما ورد» یا «وقد ورد» که اشعار به حدیث بودن آن دارد، نقل شده است. صدر المتألهین شیرازی در تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۷۶، آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده است. قدیمی‌ترین مصدر آن، کتاب «اخلاق محتشمی»، تألیف خواجه نصیر الدین طوسی، باب دوازدهم، ص ۱۲۲ است. (به نقل از: کیمیای محبت، محمدی ری شهری، ص ۱۸۱).

۳. عنکبوت / ۶۹.

## ۳. ولایت تکوینی

از آثار اخلاص آن است که تمام موجودات هستی رام انسان مخلص می‌شوند و در مقابل او خشوع و کرنش می‌کنند؛ چرا که انسان مخلص خود رام منشأ قدرتها، یعنی خداوند گشته است.

علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ يَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ مُخْلِصاً لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامَّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعَهَا وَ طَيْرَ السَّمَاءِ؛<sup>۱</sup> به راستی همه چیز در مقابل مؤمن خشوع می‌کند و همه از هیبت مؤمن می‌ترسند. سپس فرمود: هر گاه مؤمن برای خدا خالص باشد، خداوند کاری می‌کند که همه چیز از او بترسد؛ حتی شیران زمین و درندگان آن و پرندگان هوا.»

## حکایت حمّال

یکی از علما نقل می‌کند: «زمانی که ما در نجف بودیم، حمّالی در آنجا بود که اخلاق عجیبی داشت. او انسان بزرگی بود و حرفهای بزرگی می‌زد. همین حمّال روزی از یکی از محلات نجف اشرف عبور می‌کرد. در همان

محلّه بچه کوچکی همراه با مادرش به پشت بام برای پهن کردن رختها رفته بود. متأسفانه تا مادر از او غفلت می‌کند، بچه از بالای پشت بام سقوط می‌کند. تمام اطرافیان حیرت زده به بچه نگاه می‌کنند تا اینکه همین آقا دستهایش را بلند می‌کند و می‌گوید: خدایا! او را نگه دار!

پس از گفتن این حرف کودک که معلق بین آسمان و زمین بود، به آرامی [و سلامت] پایین می‌آید. مردم دور او جمع می‌شوند و با تعجب از او می‌پرسند: شما که هستید؟ جواب می‌دهد: من همان حمّال خودتان هستم؛ فقط تا حال هر چه خدا گفته، بنده گفتم: چشم! حالا بنده یک چیزی را گفتم و خدا گوش داد و دعایم را مستجاب کرد.»<sup>۲</sup>

این همان ولایت تکوینی است که برای مخلصین - هر کس در حدّ و

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۴۸، ح ۲۱؛ منتخب

میزان الحکمة، ص ۱۶۵، ح ۱۸۹۶.

۲. کرامات معنوی، سید عباس موسوی، ص ۱۹؛ عبرتها در آینه داستانها، احمد دهقان،

انتشارات نهانندی، صص ۲۷-۲۸.

اندازه خودش - به دست می آید.

#### ۴. دانش و حکمت

هر چند راه معمولی فراگیری دانش، همان تعلیم و تعلم است؛ ولی این علوم اگر از پشتوانه اخلاص و پاکی برخوردار نباشد، نه مفید هستند و نه ماندگار. بنابراین، اخلاص هم علوم کسبی را مفید و پایدار می سازد و هم خود وسیله ای است برای سرازیر شدن حکمت و دانش از دل بر زبان؛ چنان که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»<sup>۱</sup> هیچ بنده ای چهل روز برای خدای عزیز و جلیل اخلاص نورزیده است، مگر اینکه چشمه های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش سرازیر و جاری شده است.»

#### ۵. سرپرستی الهی

هر چند سرپرستی عام الهی شامل همه مخلوقات است؛ اما سرپرستی ویژه و خاص که با انتخاب «مولی علیه» انجام می گیرد، مخصوص کسانی است که ایمان واقعی به خداوند، و اخلاص دارند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَأُطْلِعَ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِبَطَاعَتِي لَوْجَهِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيَمَهُ وَبِيَّاسَتَهُ»<sup>۲</sup> خداوند عزیز و جلیل فرموده است: بر قلب بنده ای آگاهی نیابم، پس در آن محبت اخلاص برای طاعت خودم و پیروی رضایتم را بیابم، جز آنکه قوام و پایداری [زندگی] او و اداره امور او را به عهده می گیرم.»

#### ۶. پاکیزگی

رسیدن به اخلاص خود مرحله ای از پاکی است. تا کسی مراحل از پاکی و طهارت را پیدا نکند، به اخلاص راه نمی یابد؛ ولی اگر اخلاص بیشتر شد، ممکن است به مرحله مُخْلِصُ برسد؛ یعنی همان عصمت که انبیا و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از آن برخوردارند.

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «مَنْ أَخْلَصَ النَّيَّةَ تَنَزَّهَ عَنِ الدِّيْنِيَّةِ»<sup>۳</sup> کسی که نیت [خود] را خالص گرداند، از پستیها [پاکیزه و]

۱. عبون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۱.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۳۶، ح ۱۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵.  
 ۳. غرر الحکم، ح ۸۴۴۷؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۵.

منزه می شود.»

يَصِفُونَ\* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ\*؛<sup>۳</sup> «منزه است خداوند از آنچه توصیف می کنند [و در توان آنها نیست که خدا را توصیف کنند]، جز بندگان مخلص خدا.»

اگر کسی به مرحله پاکیزگی و مقام مُخْلِص رسید، چهار منصب عالی و والا به او عنایت می شود:

الف. معاف شدن از حضور در دادگاه

الهی: قرآن کریم می فرماید: ﴿فَأَيُّهُمْ لَمُخْضَرُونَ\* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ\*؛<sup>۱</sup> «به یقین همگی [در دادگاه عدل الهی] احضار می شوند، مگر بندگان مخلص خدا.»

د. خروج از دستبرد شیطان: در سوره حجر می خوانیم: ﴿وَلَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ\* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ\*؛<sup>۴</sup> «[شیطان گفت:] و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را.»

ب. برخورداری از الطاف الهی: آنچه از سعادت و ثواب به هر کسی عطا می شود، در مقابل عمل و کردار او به علاوه تفضلات الهی است؛ ولی بندگان مُخْلِص به قدری مورد اکرام و لطف بی کران الهی قرار می گیرند که از حَدِّ درک عقل بیرون است. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَا تُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ\* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ\*؛<sup>۲</sup> «و جر به آنچه انجام دادید، پاداش داده نمی شوید، مگر بندگان مخلص خدا [که بیش از آنچه انجام داده اند، پاداش داده می شوند].»

در نتیجه، می توان گفت: اخلاص در اعمال ضرورتی است برای همه بندگان؛ ولی برای مبلغان و واعظان ضرورتی مضاعف و دو چندان دارد؛ تا هم سخنان و مواعظ آنان را مؤثرتر سازد و هم خود آنان را به الگوهای مناسب و سالم در جامعه تبدیل کند.

۱. صافات / ۱۲۷-۱۲۸.

۲. همان / ۳۹-۴۰.

۳. همان / ۱۵۹-۱۶۰.

۴. حجر / ۳۹-۴۰.

ج. ستایشگری و توصیف خداوند:

قرآن می فرماید: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا